

محرومیت‌زدایی «رعنا»

دومین «رویداد ملی رعنا، روایت عصر نوآوری» هشتم‌دی‌ماه در مصلاّی امام خمینی (ره) با حضور گروه‌های دانش‌بنیان برگزار شد. از میان بیش از ۱۰۰ خدمت اجتماعی و مبتنی بر

اصل و شرح

پژوهشگران در دانشگاه تهران به نقد جنبه اجتماعی موسیقی زیرزمینی پرداختند

رپ فارسی، خانوادگی نیست

محمد سربابی | روزنامه‌نگار |

جامعه امروز
ظاهرأ موسیقی رپ در حال رسیدن به سطح رسمی و قابل‌روّیت در جامعه است. وقتی رپ در تینتراژ فیلم، سریال‌ها و تبلیغات بازرگانی ظاهر می‌شود دیگر نمی‌توان آن را سرگرمی زیرزمینی نامید. تولید یک برنامه نمایش خانگی با موضوع موسیقی رپ که در همان نخستین قسمت توقیف شد بحث درباره این نوع موسیقی را شدت بخشید. از منظر اجتماعی می‌توان این سؤال را پرسید که آیا می‌شود گفت اهالی موسیقی رپ روی آسیب‌های اجتماعی در بین انداخته‌اند؟

رپ موسیقی نازل است

ماهیت رپ از اعتراض شروع شد و در میان طبقات حاشیه جامعه گسترش پیدا کرد به همین دلیل متن ترانه‌های آن به فقر، مادمخسر، بیسکاری و... می‌پرداخت اما امروزه موسیقی رپ مخصوصا رپ فارسی ارتباط خاصی با آسیب‌های اجتماعی جامعه پیدا نمی‌کند. این سؤال را از پژوهشگران علوم اجتماعی که در نشست «پارادوکس مشروعیت در رپ فارسی» سخنرانی کردند، پرسیدیم. پدram جوادزاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در این باره گفت: «طرفداران رپ قیل و قال زیادی دارند برای همین هم تصور می‌کنیم که جزو گروه‌های مرجع هستند و باید به آنها توجه کنیم اما این موسیقی نازل است و آنقدر تأثیرگذار نیست که علوم اجتماعی آن را جدی بگیرد. الان سیل ابتذال آنها را غرق کرده است.»

رپ امروزی دیگر اعتراضی نیست

محمد رضوانی‌بور، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران که پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خود را درباره موسیقی رپ نوشته است، در پاسخ به سؤال همشهری گفت: «هر محصول هنری را می‌شود به‌عنوان یک متن خواند اما من از نگاه آسیب‌شناسانه به پدیده‌های هنری پرهیز دارم. اگر بخواهیم به مسئله‌ای مانند اعتیاد نگاه آسیب‌شناسانه داشته باشیم می‌توانیم سراغ پژوهش‌های دانشگاهی برویم.» او تأکید کرد: «رپ در دهه ۷۰ میلادی خاستگاه اعتراضی داشت. تا سال‌های ۹۰ و ۲۰۰۰ هم این حالت باقی ماند اما رپ‌رها الان دیگر اعتراضی نیستند، بلکه درباره سبک زندگی می‌خوانند و به هم جواب می‌دهند. در دهه ۸۰ ما هم این حالت اعتراضی در رپ فارسی وجود داشت که الان نیست.» او تأکید کرد که زبان رپ مستقل از زبان‌های دیگر و یک نوع خاص از ادبیات است.

نمی‌شود با خانواده گوش کرد

محمدامین حسام، سردبیر، نویسنده و پژوهشگر تولیدات تلویزیونی، دیگر سخنران این برنامه بود. او در پاسخ به سؤال همشهری درباره نقش اجتماعی موسیقی رپ گفت: «چالشی که رپ فارسی دارد استفاده از الفاظ رکبک است. من چیزی را که نشود با خانواده گوش کرد مبتذل می‌دانم و الان هم موسیقی رپ را نمی‌توانم با خانواده گوش کنم. جز این‌ هر رسانه‌ای ظرفیتی و رپ هم ظرفیت‌هایی دارد که می‌توان مسائل جامعه‌شناختی را از طریق آن بررسی کرد.» او درباره برنامه گنگ گفت: «برنامه گنگ مجوز ساخت نداشت و یک‌دفعه پخش شد. رپ مشروعیت به معنی مجوز ارشاد، صدا و سیما و سانسور ار ندارد. با این حال می‌بینیم که در پیام‌های بازرگانی و تیتراژ برنامه‌ها پخش می‌شود. اینکه چرا پخش می‌شود را نمی‌دانیم.»

خواننده رپ به مجوز کاری ندارد

محسن رجب‌پور، تهیه‌کننده و ناشر موسیقی که به‌صورت برخط در این نشست حضور داشت نیز درباره موسیقی رپ گفت: «در موسیقی پاپ با اصلاح متن می‌شد مجوز گرفت اما رپ اینطور نیست. الان خواننده رپ به مجوز کنسرت کاری ندارد؛ زیرا پولی که رپ‌رها از استریم (پخش اینترنتی) بین‌المللی به‌دست می‌آورند – یا توجه به اختلاف ارزی – از کنسرت بیشتر است. حاکمیت هم بین مجوز دادن و ندادن مانده است.» او با اشاره به برنامه گنگ نیز بیان کرد: «همیشه جامعه مخاطبان برای رپ‌رها مهم بوده است؛ حتی مهم‌تر از کسب مجوز. برای همین هم دیدیم خواننده‌ای که در برنامه گنگ شرکت کرده بود به محض دریافت بازخورد منفی از جامعه، واکنش نشان داد و کناره‌گیری کرد.»

نیازمند در مناطق کم‌برخوردار و دورافتاده را دارند، جهادی، هوشمند و تخصصی است. ضمن اینکه برای خدمتگزاری‌شان دورافتاده‌ترین سکونتگاه در شمال و جنوب یا ناپیدا‌ترین روستا تفاوتی ایجاد نمی‌کند و آنها گرد هم آمده‌اند تا محرومان نان و جانی به کف آورند.

فاطمه عسکری نیا | روزنامه‌نگار |

ویدئوی درگیری یک پدر و دختر در یکی از بوستان‌های منطقه تهرانپارس روز گذشته حساسی و ویرال و باعث شد مخاطبان فضای مجازی تحت تأثیر این نوع روابط پدر و فرزندی قرار بگیرند. خیلی‌ها رفتار پدر را نقد کردند و خیلی دیگر از این مخاطبان به دفاع از پدر برآمدند و دختر را مورد سرزنش قرار دادند.

سؤال مخاطب این بود که این رفتار ریشه در تربیت نادرست خانوادگی دارد؟ به همین بهانه در برنامه پارکوی با دکتر علی فتحی‌آشتیانی، رئیس انجمن ایرانی روانشناسی و استاد دانشگاه درباره این موضوع گفت‌وگو کردیم. آشتیانی با اشاره به اتفاقات این کلیپ می‌گوید: اینگونه واکنش‌ها بین والدین و فرزندان از یک سو نتیجه تنش‌های خانوادگی و بین نسلی بین والدین و فرزندان است و از سوی دیگر ناشی از ناتوانی در مدیریت هیجان‌های طرفین از جمله مدیریت خشم است. به گفته او، آنچه در این ویدئو رخ داده ناشی از یک الگوی تربیتی ناسالم بین والدین و فرزندان است؛ والدینی که نتوانسته‌اند نقش خود را به‌خوبی ایفا کنند، چه جایی که باید هیجان‌ات خود را کنترل کنند و چه آنجا که باید به‌همه‌ها یاد بدهند چطور وقتی با مسئله یا مشکلی روبه‌رو می‌شوند، هیجان‌ات خود را کنترل کنند.

رئیس انجمن ایرانی روانشناسی در ادامه به نقش سایر عوامل در بروز چنین رفتارهایی اشاره کرد و گفت: درواقع ممکن است این رفتارها ناشی از فشارهای محیطی، فشارهای خانوادگی، مشکلات روانشناختی و تعارضات حل‌نشده بین فرزندان و والدین باشند؛ در نتیجه وقتی این عوامل روی هم جمع می‌شود، در یک شرایط خاص مانند این کلیپ رفتار خشن انفجاری بروز می‌کند. از سوی دیگر در چنین صحنه‌هایی حضور تماشاگران این واکنش‌ها را تشدید می‌کند و باعث می‌شود افراد سریع‌تر به رفتارهای تهاجمی متوسل شوند. آشتیانی ادامه داد: به‌نظر می‌رسد خانواده‌هایی که در برنامه گنگ شرکت کرده بود به محض در یافت بازخورد منفی از جامعه، واکنش سخت‌گیر دالما شخصیت نوجوان تحقیر می‌شود و در

تمام صندلی‌هایش جز یکی خالی است، تبدیل به تصویر محبوب دیروز شبکه ایکس‌شده. معلم‌دهه‌فقدانی ماجرای این جلسه امتحان را که تنها یک دانش‌آموز در آن حاضر بود، اینگونه روایت کرد: «دیر رسید سر امتحان، همه‌ش به

این روزها که تمام صفحات شبکه‌های اجتماعی پر است از خبرهای تلخ و دردآور، دیدن یک عکس از مهربانی ساده اما فراموش‌شده، مانند دوبینگ در میان دوندگی‌های روزمره است. عکس وایرال‌شده‌ای از جلسه امتحانی که

هوادار بچه‌ها باشیم



گزارش

مکت

عشق به فوتبال هزینه دارد

نخستین حضورش در استادبوم را هیچ وقت فراموش نمی‌کنند؛ صندلی‌های پشت دروازه شرقی، بازی ایران و کامبوج و آن همه قیل‌وقال برای پیروزی: «حدود ۱۰۰ نفر بودیم که ضریان قلبمان خیلی بالاتر از ۱۰۰ رفته بود. یکی می‌خندید و یکی گریه می‌کرد. بیشتری‌ها اما عکس می‌گرفتند. عکاسان و خبرنگاران هم انگار بازی را رها کرده بودند و از حال و هوای سکوی زنان گزارش می‌گرفتند.»

آنقدر رفت و آمد تا از سوی فدراسیون فوتبال به‌عنوان نخستین مدیر یکی از کانون‌های هواداری باشگاهی معرفی شد: «فعالیت‌مان رسمیت پیدا کرد و قانونی شد اما با هزینه‌های شخصی خودمان. هزینه برای خرید تجهیزات هواداری که هر قدر بوده و هست همه فدای سر تیم و تماشاگران. هنوز هم هر بار ورزشگاه می‌رود قلبش به تپش می‌افتد.

«تا از گیت اول چک‌کردن بلیت به گیت آخر بازرسی و پیاده شدن از اتوبوس‌ها و رسیدن به تونل‌های ورودی نزدیک زمین چمن برسیم جان به سر می‌شوم. می‌ترسم بگویند ظرفیت پر است.» خدا را شکر می‌کند که تاکنون هواداری‌های خود و اعضای کانون که سالخوردترین‌شان سکنیکه خانم ۵۰ و خرده‌ای ساله از قسم و کم سن و سال‌ترین‌شان آیدای ۱۷ ساله از بندرعباس است با اتفاقی تلخ همراه نبوده است.

لیدر زنان سرخ‌پوش

درباره یکی از قدیمی‌ترین زنان لیدر فوتبال که این روزها مدیریت یکی از کانون‌های هواداری فوتبال کشور را بر عهده دارد

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | هنوز فیفا و فوتبالی‌ها، عنوان گلزن جام برندگان جام

آسیا ۹۱–۱۹۹۰ را به فرشاد پیوس نداده بودند و استرس بازی فینال برای قهرمانی در همان جام به جان علی پروین (مری) ششست بود که پرس‌پولیس جای همه عرسک‌ها و اسباب‌بازی‌های دوست‌داشتنی، صدرنشین دل‌مریم شد. عصر بود و همه خانواده پای تلویزیون ۱۱۴ اینچ قدیمی انتظار قهرمانی تیم‌شان را می‌کشیدند. انگار پیش‌پیش از تک‌گل محمدحسن انصاری فرد خبر داشتند. دقیقاً مریم از همان وقت، فوتبالی دو آتشه سرخ‌رنگ‌های پایتخت شد؛ مثل ناھید که وقت دیدار نهایی استقلال و الاهل در یازدهمین دوره جام باشگاه‌های آسیا، فوتبالی و به رنگ آبی شد. از تماشا‌شای تلویزیونی مسابقات لیگ برتر تا دسته چهارم فوتبال، کری خواندن، پرچم‌گردانی و پایکوبی‌های خیابانی، حضور پنهانی حوالی محل اردوهای استانی، اشک‌ها و لیخندها پشت درهای بسته استادبوم‌ها تا بالاخره ورود قانونی به ورزشگاه (۱۳۹۸) هواداری با شور، شعار و بوق و طبل از جایگاه تماشاگران، لیدری و مدیریت کانون دوستداران تیم‌های باشگاهی و ملی بیش از ۲۰ سال گذشت. حالا مریم دانشمندی، ۴۱ ساله و کارشناس هنرهای تجسمی که از قدیمی‌ترین بانوان لیدر کشور است مدیریت یکی از کانون‌های هواداری فوتبال را دست گرفته تا بار دوازدهم تیم‌های باشگاهی و ملی باشد. با او از ۹۰ دقیقه هیاهو و شعار سردادن و شیپور زدن حرف زدیم.



الگوهای تربیتی ناسالم است

توضیح رئیس انجمن ایرانی روانشناسی درباره یک ویدئوی پر بازدید

شیوه سهل‌گیرانه هم آزادی عمل بیشتر می‌شود و هر دو برای خانواده و جامعه آسیب‌زننده است. در مقابل این شیوه تربیتی، شیوه تربیتی قاطع و اطمینان‌بخش است که طی آن به نظرات فرزندان توجه و نظرات آنها به‌ویژه نوجوانان در به‌اصطلاح تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌شود. اگر این نظرات در راستای نظر والدین باشد اجرا می‌شود و اگر خانواده با این نظرات مخالف بود، نوجوان توجیه می‌شود و همین رفتار باعث اطمینان‌بخشی در خانواده می‌شود. این بهترین روش تربیتی است. در خانواده‌ای که این شیوه تربیتی را در پیش می‌گیرد، مرزها مشخص و چارچوب‌ها تعریف می‌شود و هر رفتار و واکنشی متقابلاً رفتار مناسب خود را به‌دنبال دارد. در این شیوه رفتاری خانواده مشخص می‌کند که برای هر رفتاری چه واکنش‌هایی در انتظار فرزند است.

این روانشناس در بخش دیگر صحبت‌های خود با اشاره به تأثیرات وایرال‌شدن چنین تصاویری در جامعه معتقد است این مسائل آسیب‌های روانی بلندمدتی به جامعه وارد می‌کند. این ویدئوها و محتواها درواقع باعث یک نوع یادگیری اجتماعی می‌شود، به‌طوری‌که خشونت یا پرخشگری به‌عنوان ساده‌ترین راه‌حل برای مسائل و مشکلاتی پیش‌روی افراد جامعه انتخاب می‌شود.

البته او این نکته را هم متذکر می‌شود که پیامد دیگرش ممکن است دچار شدن افراد به یک نوع ناایمنی و اضطراب دائمی باشد، یعنی ترس از تکرار این اتفاقات؛ به‌نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان و مدیریت خشم مهم‌ترین راهکار برای این قبیل مسائل باشد. خانواده‌ها شیوه تربیتی قاطعانه و اطمینان‌بخش را انتخاب، به نظرات فرزندان‌شان توجه و از آن نظرات در تصمیم‌گیری‌ها استفاده کنند و در اجرا هم قاطع باشند. آشتیانی تأکید می‌کند که در این میان نمی‌شود از نقش آموزش و پرورش غافل شد؛ به‌ویژه با ارائه آموزش‌های مهارت‌های زندگی که مهارت مدیریت خشم درواقع یکی از مهارت‌های مهم زندگی است. آموزش و پرورش باید روی این مسئله متمرکز شود و حتی عناوین آموزشی مخصوص تعریف با این منابع درسی را جایگزین برخی منابع درسی فعلی کند که خیلی به درد دانش‌آموزان نمی‌خورد.

ربع وقت داشت، نفس نفس می‌زد. با کالی استرس نشست. در گوشش تقیم با خیال راحت بنویس، من تا زمانی که بلند باشی و بنویسی، برگه رو نمی‌گیرم. واقعیت اینه که بچه‌ها امانت خانواده‌ها دست ما هستند.»

لباس هواداری طراحی می‌کردم

پول تو جیبی‌هایش همه صرف خرید پارچه، پرچم و بوق می‌شد: «یکی از سرگرمی‌هایم با توجه به رشته تحصیلی‌ام (هنر) طراحی پوشش‌های نو برای هواداری بود. گاهی پارچه می‌خریدم و مقنعه به رنگ باشگاه و تیم ملی می‌دوختم. گاهی هم ایده برای کلاه، سربند و جلیقه می‌پروراندم.» پیش از روز پنجشنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۸ که نخستین حضور زنان در ورزشگاه و تماشای فوتبال اتفاق افتاد، کارمریم این بود که با تعدادی از دوستان فوتبال‌دوستش خود را به یکی از درهای ورودی استادبوم آزادی برساند: «همین که صدای هیاهوی تماشاگران را می‌شنیدیم با هیجان بیشتری تصویر بازی را از گوشی‌های تلفن همراه‌مان می‌دیدیم. بازی اگر خارج از خانه (شهری دیگر) هم بود باز با چند نفری از دوستانم می‌رفتم؛ اراک، تبریز، بندرعباس، مشهد و خیلی شهرهای دیگر.» با این همه شوق که مریم به فوتبال داشت اما هیچ‌وقت دلش نخواست فوتبالبست باشد: «باز یکم که باشی نمی‌توانی از بازی لذت ببری... چون شش‌دانگ جواست باید پی‌پاس و گل و دروازه باشد.» ولی فوتبال یکی از معیارهای سفت و سختش برای انتخاب همسر بود که دست بر قضا میسر هم شد.

آرزوهای بعد از آرزوی ورود به استادبوم

همیشه ۳ رنگ قرمز، سفید و سبز گواش با پارچه‌های سرخ در اندازه‌های مختلف دم‌دستش بود. هر گوشه از اتاقش لابه‌لای کتاب و دفتر و لوازم دخترانه نیز طبل و شیپور هواداری به چشم می‌آمد: «درس و مشق که تمام می‌شد طبل‌زنی می‌کردم. انگار وسط استادبوم بودم و دقیقه ۹۰ مسابقه و تیم محبوبم – هیچ عقب است. طوری طبل می‌کوبیدم و شعار می‌دادم که اگي مادرم از سروصدایی که راه انداخته بودم شکایتی نمی‌کرد حتما گلویم خش برمی‌داشت و چند روزی را با جوشانده هفت‌تخم می‌گذراندم.» شاید عجیب باشد اما آرزوی اولش را اختصاص داده بود به هواداری در استادبوم و بعد از آن ۲ سالگی چنان ترکیب و بازیکنان را می‌چید که همه پسران فامیل انگشت به دهان می‌مانند.